



۲۷ دسمبر، ۲۰۱۷

ملالی موسی نظام

اشغال افغانستان، فاجعه‌ المناک یک ملت

ششم جدی ۱۳۵۸، روزی که افغانستان به اشغال اتحاد شوروی درآمد!



با تغییر و اضافات بر مضمون سال گذشته و اتکاء بر حقایق تاریخی وابسته به این تراژیدی بزرگ انسانی ملت افغانستان

در ۲۷ دسمبر سال ۱۹۷۹ بعد از عید میلاد مسیح، فاجعه‌ المناک اشغال افغانستان، مملکت آزاد و غیر منسلک در قلب آسیا، توسط قوای سفاک اتحاد شوروی وقت، مردم جهان را که تا آنوقت اشتبهاً گمان میبردند که در مملکت ما صرف یک کودتای عسکری باعث تغیر و جابجا شدن قدرت گردیده است، به نابوری و افسوس فرو برد.

با سپری شدن سی و هشت سال از کودتای منحوس ۷ ثور ۱۳۵۷ که بدون شک سرآغاز تمام بدبختی های خانمان سوز ملت افغانستان و انگیزه بربادی و انهدام بنیادی وطن ما میباشد، به سبب فقدان عدالت اجتماعی و سیاست مصالحه با جنایتکاران حکومت آقای کرزی، همان عمال سرسپرده خلقی و پرچمی که در خوان خیراتی ای ممالک غربی پناه برده و از ترس بازخواست، با خفت در پناه گاههای خویش پنهان گشته بودند، به تدریج دوباره به مملکت جنگ زده ویران سرازیر گردیدند. امروز افغانستان یگانه مملکت جهان است که جنایتکاران جنگی در آن چون بهشت موعود نه تنها آزادانه و راحت غنوده اند بلکه از برکت امکانات مساعد و سیاست سخیف مصلحت گرایی دولت، حزبی های خاک فروش معلوم الحال به بالا ترین مقام در پارلمان و حکومت و قضاء اخذ موقع نموده و با گارد و تجمل و دبدبه، بر حال زار ملت میخندند.... مگر کبیر رنجبر، نورالحق علومی، اتمر و محمد گلابزوی و امثال آنان، تافته های جدا بافته ای از خاک فروشانی چون ببرک کارمل، اناهیتای راتب زاد، داکتر نجیب، محمود بریالی، دستگیر پنجشیری، حفیظ الله امین و ترکی آموزگار و نابغه بی

نظیر خلق بوده اند، یا اینکه از عدم باز خواست و نبود عدالت انتقالی و پالیسی خائن و جاسوس پروری، آنانیکه اشغال افغانستان عزیز را با وطن فروشی آشکارا خیر مقدم گفته و مساعد ساختند، بعد از سقوط طالبان در صدر اکثر مقامات و کارهای مهم مملکت نصب گردیدند. با درد و افسوس که ملت بینوا و زجر کشیده ما که آنروز شاهد آن جنایات و مظالم بیحد آنان بودند، اینک شانزده سال دیگر هم ناظر و شاهد قدرت شان میباشند!

بهر حال، بعد از مدت چند ماه که از کودتای منحوس ثور ۱۳۵۷-۱۹۷۸ «انقلاب ظفر نمون برگشت ناپذیر» سپری گردید،

ترکی خائن، استاد بی نظیر خلق، توسط شاگرد وفادارخویش، حفیظ الله امین که اعمال غیر بشری و غیر اخلاقی وی ثبت تاریخ میباشد، با گذاشتن بالشت بر دهن استاد، به قتل رسید. این سلسله ادامه یافت و کمی بعد تر، حفیظ الله امین، شاگرد وفادار خلق، همچنان با زهر مسموم گردیده و مقرش در دارالامان را باداران روس وی به ماشیندار حواله نمودند.



درینوقت، ببرک کارمل سردمدار گروه وطن فروشان پرچم و سرسپرده وفادار سفارت شوروی در کابل، شاه شجاع وارو، از ماورای سرحدات شمال به افغانستان صادر گردیده و با «افتخار» بر میله تانک روسی به جمع تیم قاتلان و نسل کشان افغانی هم مسلک خویش، مغرورانه به امرای مسکوی خویش در کابل پیوست.

هرگز فراموش نمی نماییم که ورود ببرک کارمل به کابل مقارن است با تجاوز وحشیانه و غیر انسانی اتحاد شوروی به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ هجری شمسی مطابق ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ میلادی بر خاک مقدس افغانستان که در اثر این اقدام سفاکانه، آخرین نمونه های ماشین جنگی و اسلحه مخرب ساخت فابریکه جات روسی، با موافقت اعضای حزب خاک فروش دیموکراتیک خلق، مدت نزدیک به یک دهه به پهنای سرزمین ما، بر ملت مظلوم، بی پناه و شریف افغان از راه هوا و زمین، استعمال گردید که موجبات یکونیم میلیون شهید و میلیون ها زخمی، معیوب و آواره از وطن را بار آورد!

دیدیم که ببرک کارمل هم خوشبختانه به دنبال استاد بینظیر و شاگرد وفادار خلق در حبس دور از وطن در پاسخ خیانت ها به مردم خود، شکنجه گردید و به خواری و خفت، به تنهایی و با مرض سرطان در يك کانتینر در حرارت صد درجه به حالت رقتباری به جهنم واصل گردید.

دوران نجیب الله هم علی الرغم تلاش ممتد برای ادامه قدرت و سرسپردگی به روسیه در حال سقوط با مسلمان شدن های مصنوعی و به منبر رفتن های نمایشی وی در اغفال ملت، به ناکامی بسر آمد و نتیجتاً به دست طالبان راهی دیار عدم شد.

بعد از شکست خجالت آور قوای متجاوز سوسیال امپریالیزم روس در افغانستان که دامنه آن منجر به ازهم پاشی خود رژیم وخفت يك ابر قدرت جهانی گردید، مجاهدین برحق افغان مملکت را ازسلطه خیانتکاران حزب وطن فروش دیموکراتیک خلق و باداران آنها نجات دادند.

فاجعه اشغال افغانستان جنگ زده که سر آغاز بربادی آنرا نور محمد ترکی و ببرک کارمل به همکاری گروه جنایتکار خود ها رقم زدند، یکی از تاریکترین و طولانی ترین دوره فنا و بربادی و آوارگی يك ملت در روی کره ارض شمرده میشود. افسانه تلخ میلیون ها مهاجر در ممالک همسایه ها و مظالم آنان، داستان رقت بار تخریب شهر ها و «۱۷۰۰» قریه افغانستان که در اثر بمباردمان های مهلك ازروی نقشه جهان ناپدید گردید، هزاران طفل افغان که در ماورای سرحدات به فروش رسیدند و صد ها هزار دیگر در داخل با بازی، با آنچه در کشت زار های وطن از هوا می ریخت، هلاک شدند، میلیون ها

هموطن مظلوم ما که با مین و راکت و بم، اعضای سالم وجود خویش را از دست داده اند و بی حساب قصه و داستان های تلخ دیگری که تاریخ سه دهه ما را هم چنان سیاه و خونبار میسازد.

با کشف تعداد زیادی از گور های دسته جمعی و حالتی که این مظلومین بی دفاع با لباس، دست بسته، خاموشانه زنده به گور گردیده اند، پاسخ هزاران فامیل دردمندی داده میشود که تا هنوز انتظار بازگشت عزیزان گمشده خود ها را داشته اند. راپور لست ۵۰۰۰ شهیدان مظلوم و بی کفن که صرف از عصر یکی از سفاکان خاک فروش، یعنی حفیظ الله امین است و از جانب حکومت هالند منتشر گردید، داغ و درد هزاران فامیل عزیز از دست داده را تازه نمود. عکس ضمیمه قسمتی



از تصاویر اکثراً جوان شهدای این لست خونین را در مرکز کمسیون حقوق بشر کابل نشان میدهد که در آغاز قدرت رژیم سفاک، بیرحمانه بقتل رسیده اند، در حالی که صدها عضو مهم خلق و پرچم در هر گوشه جهان و افغانستان عزیز آزادانه در گشت و گذار اند.

در پهلوی ستمکاران مرد «ستون پنجم» اتحاد شوروی وقت، زنان اکثراً پرچمی هم در ایجاد تهدید، دهشت و انحراف زنان افغان از وطن پرستی عنعنوی و ایمانداری، به ماتریالیزم دیالکتیک، دهریت و وابستگی به افکار مارکس و لینن، نقش بسیار شرم آور و آشکارا داشته

اند که از آنجمله سردمدار گروه زنان گمراه کمونیست، اناهیتا راتب زاده را باید به یاد آورد که با عده ای از همجنسان منحرف مانند خود و سر سپردگان کودتای منحوس ثور، جامعه زن شریف افغان را به خفت و ازهم گسیخته گی سوق دادند. زنان باند پرچم و خلق پایبای مردان، در کشتار ملت مظلوم و بی دفاع ما، وطن فروشی، جاسوسی و ناپدید گشتن هزاران هزار از هموطنان بیگناه افغانستان، جداً به فعالیت و تخریب این سرزمین اشتغال داشتند، که مرگ و رو سیاهی جاودانه تاریخ بر همه آنان باد.

در پایان این داستان غم انگیز یک ملت در خون نشسته، باید افزود که علی الرغم شکست بیشرمانه اتحاد شوروی سابق توسط سرسپردگان مجاهد افغان، عده ای ازهم گامان و پیروان آن که با قیافه و لباس دیگری مخفیانه با دولت مذکور در ارتباط دائمی بوده اند مجادله و تلاش مذبوحانه ای در بخشیدن غرامات جنگی افغانستان که تلفات آنرا «بانک جهانی» بالغ بر ۴۵ بلیون دالر آنزمان، تخمین نموده است، داشته اند. «برهان الدین ربانی» که نام سیاه وی از اشغال کابل و غصب مقام ریاست جمهوری و تا وقت مرگ، به نحوه گوناگون صفحات تاریخ افغانستان را لکه دار مینماید، بدون داشتن صلاحیت قانونی، ویرانی بنیادی وطن و خون یک ونیم ملیون شهید مظلوم آنرا با غرامت تجاوز سفاکانه ابر قدرت و ده سال کشتار و آوارگی و بدبختی یک ملت، به طمع ادامه ریاست جمهوری پوشالی، به ولی نعمت خود، «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه فیدرال بخشش نمود!

با تجاوزات مشابه در جریان تاریخ و عواقب و فیصله جات نورم های حقوق بین الدول در مورد آنان، مؤسسات خیریه حقوق بشر سالهاست که اشغال افغانستان را توسط شوروی وقت، دقیقاً تجاوز علنی و جنایت آشکارا بر علیه بشریت و دقیقاً نقض جابرانه حقوق بشر تعین و تثبیت نموده اند، دولت حامد کرزی نه تنها از خاک فروشان خلق و پرچم حق ملت را بازخواست نه نمود، بلکه معضله درخواست غرامات جنگی، حق مسلم مردم مظلوم ما را از روسیه فدرال، هم در بوتۀ فراموشی سپرد و نام سیاه دیگری برای خویش کسب نمود. کی داد و کی گرفت!

همانطور که معلوم است از جنگ های افغانستان که چون پرده خونینی از کودتای منحوس ثور آغاز گردیده، اسناد، مدارک و راپور های کاملاً مستند شواهد مظلوم عینی ای بیشمار در دسترس است که یکی از آنها همانا «[پروژه عدالت یا دادخواهی افغانستان](#)» میباشد که قسمت اول آن جریانات کودتای ۷ ثور را با تمام تفصیلات آن تا هجوم تنظیم های تشنه قدرت جهادی در بر می گیرد. باوجود ممانعت مذبحخانه تدریس تاریخ این دوره خونین افغانستان به شاگردان معارف که دسترسی و مطالعه آن با معرفی دست اندرکاران خاک فروش وطنی آن، مثل خوردن آب آسان می باشد، اخیراً در بیانیه های مختلفه ای که به مناسبت روز جهانی «[حقوق بشر](#)» در افغانستان ایراد گردیده، افشاء و نشر «[پروژه عدالت افغانستان](#)» نه تنها از جانب خانم «[سیماسمر](#)» رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بازهم درخواست شد، بلکه رئیس جمهور «[اشرف غنی](#)» هم انتشار این راپور مهم را که دسترسی به آن، حق مردم افغانستان می باشد، منوط به فیصله آن کمیسیون دانست. این پروژه مهم و مستند که از مصاحبه با ۶۰۰۰ افغان شاهد و ناظر جنگ های افغانستان از سر تا سر مملکت تهیه گردیده، از وبسایت آن به [السنه انگلیسی](#)، پشتو و دری قابل دریافت و مطالعه می باشد: [afghanistanjusticeproject.org](#)

چون مضامین وابسته به رویداد های خاص تاریخ افغانستان عزیز لاجرم خاصیتاً تکرار مکررات محسوب میگردد، ولی هر سالی یقیناً تغییرات و اضافاتی نظر به شرائط و پدیده های جدید به آن افزود میگردد، مانند همین داستان تلخ اشغال سرزمین ما توسط اتحاد شوروی سابق و به کمک خاک فروشان معلوم الحال پیرو آن.

با گذشت ۳۸ سال از ششم جدی ۱۳۵۸ «[۲۷ دسمبر ۱۹۷۹](#)» هنوز هم ملت افغان در سر تاسر گیتی، خاطرات جانکاه تجاوز بیشرمانه و غیر بشری سوسیال امپریالیزم روسیه و عواقب ناگوار آنرا تا امروز، به کمک فروخته شدگان وطنی، بیاد آورده و بر روح پر فتوح شهداء و مجاهدین واقعی ای این خطه پاک درود و تهنیت میفرستند.

با تشکیل و فعالیت «[محكمة بین المللی جنایات بر علیه بشریت – ICC](#)»، امید می رود که روزی نوبت داد خواهی و بازخواست جانیان وابسته به احزاب وطن فروش خلق و پرچم در سرزمین ویران ما هم برسد و در بارگاه عدل الهی به مجازاتی که در خور آنند، برسند. آمین!

پایان